

خداوند بر همه چیز تواناست

آیا

خوبیها و بدیها همه از جانب

خداست؟

❀ «علم» وطن ندارد

❀ آیا ایرانی مذهب ایرانی میخواهد؟

❀ خالق خیر و خالق شر



در عین اینکه معروف است «علم» وطن ندارد، یعنی از هر کجا برخیزد و بهر کجا برود وطن اوست و در همه جا یکسان احترام دارد و از نظریک دانشمندی واقعی اکتشافات علمی از هر کشوری که باشد «آشنا» است و بیگانه و اجنبی ندارد، باز بعضی از «عالم‌نماها» سعی دارند برای علم وطن قائل شوند، و عملاً روی کشفیات علمی هموطنان خود تعصب خاصی نشان میدهند و در برابر آثار علمی دیگران قیافه منفی بخود میگیرند.

مخصوصاً در نوشته‌های «کمونست‌ها» گاهی اینگونه حرف‌ها دیده میشود که با اصطلاح در برابر نظرات دانشمندان بورژوازی (سرمایه‌داری) یکنوع قیافه منفی نشان داده و با سردی آنها را تلقی میکنند. مثلاً در یکی از نوشته‌های «ارانی» و همکاران او در مجله دنیا بحثی درباره نظریه نسبی «آینشتاین» وجود داشت که بصورت رساله مستقلی چاپ شده بود.

خاطرم هست نویسنده یا نویسندگان رساله مزبور اظهار عقیده کرده بودند که نظریه نسبی «آینشتاین» آنقدر مهم که دانشمندان بورژوازی، برای آن اهمیت قائلند و اجدهمیت نیست!

❀ که خواسته‌های کاذب خود را اجابت کرده و از هر راه و وسیله برای ارضاء تمایلات سعی و تلاش نموده‌اند.

امام جعفر صادق (ع) فرماید: که افراط و زیاده روی در هر کاری موجب عیان الهی میباشد: **اول ما عصى الله عز وجل ست حب الدنيا و حب الرياسة و حب الطعام و حب النوم و حب الراحة و حب النساء** علاقه بزنگی دنیوی از مسائل ضروری عقل است ولی همین تمایل وقتی بیش از مقدار اعتدال شده باشد زیان آور خواهد بود و بدون تردید منظور امام (ع) در این روایت بیان تمایلات افراطی انسان میباشد.

البته اینگونه تمصباحیلی جاهلانه است و جز عقب ماندگی و دوری از حقیقت اثری ندارد .

* * *

اسلام مال عربهاست !

از آن بدتر اینکه کسی برای «مذهب» وطن قائل شود و مثلاً بگوید (همچنانکه بعضی از کوتاه فکرها میگویند): **ایرانی مذهب ایرانی میخواهد!** و چون «اسلام» از میان عربها ظهور کرده بدردهمان عربها میخورد . پیغمبر اسلام عرب بود، قرآن هم عربی است ، کعبه قبله مسلمین هم در کشورهای عربی مییاشد و برای ما که ایرانی هستیم بدردمیخورد ! .
برای ما همان بهتر که از يك مذهب ایرانی پیروی کنیم ! همان «یزدان» و همان «اهرم» را از قبرستان فراموشی بیرون کشیده و ویرانه های «آتشکده» هارا مرمت کرده دست بدامن «امشاسپندان» بزنیم ! ...

آخر ما ایرانی هستیم و حس «ناسیونالیسم» ما قوی است و در دنیا بوطن دوستی مشهوریم ! بدبختانه اخیراً این طرز فکر غلط حتی در میان بعضی از تحصیل کرده ها ظاهر شده و شاید تعصب مخصوصی که بعضی از رجال فرهنگ ما روی مسأله ترك تدریس زبان عربی در مدارس بخرج میدهند از آثار همین بیماری نژادی و وطنی «المسمی» به «ناسیونالیسم» باشد !
کتابهای گوناگونی که برای زنده کردن آئین فراموش شده زرتشت این روزها مینویسند و اصراری که برای پاک کردن لکه «دوگانه پرستی» که از مهمترین نقطه های ضعف آن آئین محسوب میشود نشان میدهند نمونه دیگری از این طرز تفکر است .

این گفتارها باین میماند که ما بگوئیم در بیماریهای عفونی حاضر با استفاده از «پنی سیلین» نیستیم زیرا کاشف آن دکتر «فلمیمنگ» یک نفر اسکاتلندی بوده است ؛ ایرانی دوی ایرانی میخواهد ! . همانطور که میگویند ایرانی مذهب ایرانی میخواهد .

در حالی که بدیهی است «مذهب» هم مانند «علم» وطن ندارد . همه بندگان خدا در پیشگاه او یکسانند و همه کشورها و زمینها برابر ، فرستادگان او هم بهمه بندگان او یکسان نگاه می- کردند . اساساً در جهان خلقت يك کشور بیش نیست ، و این بازهارا ما بندگان تنگ نظر در آورده ایم که برای هر چهار وجه زمین خدا نامی درست کرده و با سیمهای خاردار در برای آنها مرز ساخته ایم و در و دروازه و قفل و بند درست کرده ایم .

قرآن مجید صریحاً این طرز تفکرها را از آثار دوران جاهلیت می شمرد و میگوید : **ولو نزلناه علی بعض الاعجمیین فقرأه علیهم ما كانوا به مؤمنین** : اگر قرآن را بر

پیغمبری از غیر نژاد عرب فرستاده بودیم و بر آنها میخواندند هرگز بان ایمان نمیآوردند! بنا بر این طرز فکر مزبور ارتجاع و بازگشت بدوران جاهلیت است.

اینهم تعجب ندارد که کسی در يك قسمت تحصیل کرده باشد و فکرش در يك سطح عالی، اما در قسمت دیگر همان افکار قرون وسطائی و پندارهای جاهلانه دوران جاهلیت را دارا باشد.

این يك بحث دامنه دار و قابل توجه است که ما فعلا نمیخواهیم وارد آن بشویم فقط منظور ما این بود که اگر در بحثی که در پیش داریم مطالبی درباره شرك و دوگانه پرستی در ایران قدیم پیش آید روح زودرنج ناسیونالیستهای دوآتشه ما آزرده نگردد و معذور دارند ما را!

* * *

خالق خیر و خالق شر

یکی از اشکالات قدیمی در باب «عمومیت قدرت خدای» موضوع آفرینش «شور و بدهیا و زشتیها و آفات» است که ریشه آنرا از زرتشتیان قدیم ایران میدانند.

خلاصه این ایراد چنین است:

حوادث و موجودات جهان با يك نظر اجمالی بدو نوع متمایز تقسیم میشوند: خیر و شر، یا خوبها و بدهیا؛ نور آفتاب و باران و بادها و نسیمهای بموقع و نمو و رشد گیاهان و حیوانات و نباتات مفید؛ و امنیت و سلامت و مانند اینها همه خیر و خوبند؛ اما ظلمت و زلزلهها و طوفانهای سهمگین و سیلهای ویران کننده و نواقص خلقت مانند محرومیت از بینائی و شنوائی و انواع بیماریها و آفات گیاهی و حیوانی؛ و جاندارانی مانند درندگان و گزندگان و سایر جانوران مودی همه «شر» و بدند.

وجود این دو دسته از حوادث و موجودات در جهان هستی قابل انکار نیست (این يك مطلب) از طرفی میدانیم که میان علت و معلول، یا فاعل و فعل باید یکنوع سنخیت و تناسب بوده باشد، هر علتی یکنوع معلول خاص بوجود میآورد و هر معلولی از يك علت معین سرچشمه میگیرد همانطور که جای پای هر کس روی زمین نرم و هموار شبیه پای اوست تمام کارهای ما و سایر انسانها تناسب با وضع ساختمان جسمی و روحی ما دارد و این قاعده در هر کاری که از هر فاعلی سر میزند جاری است.

از ضمیمه کردن این دو مطلب بیکدیگر چنین نتیجه میگیریم که: مبدع شور و بدهیا باید «بد» و سرچشمه خیرات و خوبها باید «خوب» باشد، بنا بر این نمیتوان گفت آفریننده خیر همان آفریننده شر است بلکه آفریدگار این دو با هم فرق دارد.

یعنی خالق خوبیها قدرت ندارد چیز بدیها فرزند؛ و خالق بدیها نمیتواند چیز خوب بیا فرزند از همینجا عقیده « ثنویت، دوگانه پرستی و اعتقاد بوجود « یزدان، و «اهرمن» و مبدع نورو ظلمت که در ایران قدیم بود بوجود میآید .

این ایراد همانطور که قدرت نامحدود خدا را محدود میسازد و قسمتی از موجودات و حوادث جهان را از محیط قدرت او بیرون میکند اصل توحید را نیز بهم میزند و دو مبدع مختلف برای جهان هستی اثبات میکند، این همان شرک است که تمام پیامبران خدا با آن مبارزه نموده اند از بیانات مشروحی که در پاسخ ایراد ما دیها در موضوع « آفات و بلاها » در چندین شماره از سال سوم این مجله گفتیم پاسخ این ایراد روشن میشود و اساساً درست‌تر جهان هستی حادثه‌ای که صد درصد بد باشد یا بدی اواز خوبی او بیشتر باشد نداریم و این حوادثی که ما بد مینامیم همه جنبه نسبی دارد ، ولی لازم است شرح بیشتری در این باره بدهیم .

شرح این مطلب را در شماره آینده بخوانید .

از آثار تمدن جدید!

☀ سی درصد اطفال آمریکائی الکلی و ۴۷ درصد آنان معتاد تریاک یا هروئین هستند .
 بقول یک روزنامه خارجی ، آمریکا از لحاظ ساختن آسمان- خراش‌های معظم و خیره کننده بسیار پیشرفته است ولی در تعلیم و تربیت ، اگر بمعنای واقعی آن توجه کنیم ، حتی از دولت حبشه نیز عقب‌تر است !

(نقل از مجله امید ایران شماره ۴۴)

☀ آمار جنایات نורسان و جوانان در آمریکا و انگلستان مخصوصاً در سالهای اخیر بعد از جنگ بقدری بالا رفته که اسباب وحشت مقامات مربوطه را فراهم ساخته است ! (اطلاعات ۳۸۹۹۴)